



عکس ها: حاتمی

گفت و گو با محمدرضا باهنر دبیر کل جامعه اسلامی مهندسين

مشايي گفته ما بايد تا ۱۴۰۴ بمانيم

جناب آقاي رئيس دولت از چه چيزي گلایه مي کنيد؟

هادي محمدي

مقدمه

محمدرضا باهنر را شايد هنوز خيلي ها به نام برادر شهيدش دکتر محمد جواد باهنر بشناسند و البته خود او هم در تبليغاتش با افتخار اين نسبت را ذکر مي کند. محمدرضا باهنر باربع قرن سابقه نمايندگي در مجلس و کار با دولت هاي مير حسين موسوي، هاشمي رفسنجاني، محمد خاتمي و محمود احمدي نژاد رکوردی کم نظير در جمهوري اسلامي دارد و تجربيات بسياري را در حوزه سياست کسب کرده است. مصاحبه صريح ما با او در دفتر جامعه اسلامي مهندسين که وي دبیر کلی اش را از ابتدا تا کنون بر عهده داشته است، انجام شد، در حالی که چند روز بعد نام باهنر به عنوان يکي از سه کاندیداي جبهه پيروان خط امام و رهبري مطرح شد. او مهم ترين چالش امروز کشور را «کارآمدی» می داند، تغيير و برکناري هاي فراوان در دولت نهم و دهم را به باد انتقاد می گيرد و معتقد است: «مثلا بنگاهي دولتي با چند هزار ميليارد سرمايه را به جواني می دهند که البته جوان خوب و حزب ...ی است اما اگر من يک کارخانه ۳ ميلياردي داشته ام دست او نمی دادم.» درباره طرح هدفمندی يارانه ها به ۲ مشکل اشاره می کند و می افزايد: «هدفمندی در اين برهه از زمان هيچ کدام از دردهای ما را درمان نکرده است...» باهنر در اين گفت و گو همچنين به مقاله ای به قلم مشايي اشاره می کند که مستند سخن وي درباره قصد دولت برای اجرای مدل پوتين - مدودف در ايران است. به گفته باهنر، مشايي در اين جمله گفته است: ما بايد ...

و حزب ...ی است اما اگر من يک کارخانه ۳ ميلياردي داشته ام دست او نمی دادم، پس مشکل کارآمدی است يعني اگر می خواهيم کسری را مدير کنيم، بايد بينيم او مراتب علمي و تجربی اش را طی کرده است يا خير.

- اين ناکارآمدی را شما در اين دولت اخير بيشتر ديديد يا در گذشته هم به همين ميزان وجود داشته است؟

* من الان نمی خواهم خيلي مقايسه کنم اما فکر می کنم يک مقدار در دولت نهم و دهم ضابطه کمتری را در کارها ديده ايم. مثلا تعداد مديران عامل بانک ها که در اين دوره تغيير کردند قطعا چند برابر دولت هاي قبلی بود. با اين حال امروز که ماه هاي آخر دولت دهم است آقای احمدي نژاد همچنان از بانک ها گلایه دارد و می گويد که بانک ها در اختيار دولت

هر قوه ای مشخص کرده اما کارآمدی لازم در آن ايجاد نشده است. به عنوان مثال در اوایل انقلاب ما نيرو و تجربه نداشتيم و يک سری افراد مخلص و متدين آمدند و زیر نظر حضرت امام (ره) کارها جلو رفت اما بعد از چند سال به ويژه پس از جنگ، اين اصل پذيرفته شد که هر شغلی نياز به طی کردن سلسله مراتب خود دارد. اين مسئله به خوبی در نيروهای نظامی يا در مراجع علمی ديده می شود اما در سياست اين مسئله هنوز جا نيفتاده است، يعني قبول نکرده ايم که يک نفر که می خواهد مثلا وزير کشور شود بايد حداقل دو سال استندار بوده باشد و با مباحث تحت مديریتش آشنا باشد؛ در اقتصاد و به ويژه در اقتصاد دولتي و کلان هم همين مشکل وجود دارد. مثلا بنگاهي دولتي با چند هزار ميليارد سرمايه را به جواني می دهند که البته جوان خوب

شما در بيشتر دوره هاي مجلس شورای اسلامی حضور داشته و با همه دولت هاي پس از انقلاب کار کرده ايد. با توجه به اين تجربيات،

بزرگ ترين مشکل امروز کشور را چه می دانيد؟

* اگر مقصود شما مردم باشند که آنها مشکلي ندارند و به وظايف خود عمل می کنند؛ حتی آنجا که بايد از خود مایه بگذارند، مایه می گذارند و تنها خواسته آنها از مسئولان اين است که دعوها را کنار بگذارند و در اداره کشور، مديران، خالصانه و بدون زياده خواهی خدمت کنند. اما در بحث هاي اجرائی، در دولت و مجلس فکر می کنم مهم ترين چالش امروز کشور ما کارآمدی است. يعني از نظر نرم افزاری ما مشکلي نداريم زيرا قانون اساسی و قوانين عادی ما کاملا وظايف و مسيرها را برای